



چین در دوره شی جین پینگ به چه شکلی درآمده است؟

جعبه سیاه چینی

وینستون چرچیل از سیاست‌گذاری شوروی به عنوان «معمایی پیچیده در یک راز اسرارآمیز» یاد می‌کند. چه در زمان استالین و چه در دوره برژنف، ناظران غربی می‌توانستند خروجی سیاست‌های اتحاد جماهیر شوروی را بر اساس گفته‌ها یا آنچه که عمل می‌کردند مشاهده کنند؛ اما فهمیدن آنچه در داخل چین می‌گذشت کار آسانی نبود، زیرا دسترسی به اطلاعات بسیار محدود شده بود و حتی ترس مانع از آن می‌شد که خودی‌ها آنچه را که بیگانگان باید بدانند بیان کنند. علی‌رغم پیشرفت‌های اطلاعاتی گاه‌به‌گاه، سیاست‌گذاری ایالات متحده به دلیل عدم درک نحوه تصمیم‌گیری‌های سیاسی در طرف مقابل به شدت دچار مشکل می‌شد.

در حال حاضر وضعیت مشابهی در مورد چین در حال شکل‌گیری است، درک نحوه تصمیم‌گیری در پکن دشوارتر از ۵۰ سال گذشته است. دلیل اصلی این امر هم آن است که حزب کمونیست

چین نسبت به زمانی که مائوتسه‌دونگ در راس آن بود، بسته‌تر شده است. افراد نزدیک به قدرت، اجتناب بیشتری دارند و دسترسی به اطلاعات در رده‌های بالاتر هم دشوار است. بنابراین ناظران بیرونی درباره چگونگی دستیابی رهبران حزب به نتایج مد نظر خود در سیاست خارجی، از اطمینان کاملی برخوردار نیستند.

برای به دست آوردن چنین دانشی آنها باید مراقب خطاهای تحلیلی رایج، از جمله وابستگی به گذشته و تصویرپردازی آینه‌ای باشند. اولی مربوط به این باور است که الگوهای گذشته به نحوی در زمان حال تکرار خواهند شد. دومی فرض می‌کند که همه دولت‌ها و همه سیاست‌ها تمایل دارند به یک شکل عمل کنند، هرچند در محیط‌های متفاوت.

حال تحلیلگران غربی در مورد سیاست خارجی چین در دوره ریاست جمهوری شی جین پینگ چه

می‌دانند؟ آنها می‌دانند که در چین هم مانند همه کشورهای بزرگ سیاست خارجی قبل از هر چیز انعکاسی از اولویت‌های داخلی است. شی مدت زمان زیادی را صرف تلاش برای تضعیف رقبا خود کرده است و می‌خواهد اقتدار را حول رهبری حزب متمرکز کند و جناح‌های حزبی، گروه‌های استانی و سرمایه‌دارانی که می‌توانند در راه او قرار گیرند را کنار بزند. شی معتقد است که از روی دلایلی منسجم به چنین قدرتهایی نیاز دارد. او به حکومت متمرکز معتقد است و متقاعد شده است که این حکومت شکلی برتر از دموکراسی است. او در اوایل دوران تصدی خود به این نتیجه رسید که پیشینیانش ضعیف بوده‌اند و ضعف آنها باعث هرج و مرج داخلی و فساد و همچنین عدم تمایل به دفاع از منافع چین در خارج از کشور شده است. پس چین تحت حاکمیت خود را در حال ورود به دوران پیروزمندانۀ جدیدی می‌داند که موفقیت‌های آن غرب و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا را نگران خواهد کرد و آن‌ها برای جلوگیری از چین، دست به هر کاری خواهند زد.

شی از دهه ۱۹۷۰ راه رفته چین در دوران

امنیت هویت شامل چگونگی ایجاد تصویری میهن‌پرستانه از حزب و چگونگی ترغیب مردم به این است که انتقاد از حزب را با انتقاد از چین و ملت یکی کنند. به عبارت دیگر، امنیت ملی به همان اندازه که مربوط به سیاست داخلی است، با امور بین‌الملل ارتباط دارد